

است. و اما در پایین یعنی در بین پرولتاریا و دهقانان، به خصوص تهیستوترين بخش آنها، اکثریت اس ارها و منشویک ها چپ هستند. غایله کورنیلوف آموزنده است و درس خوبی بوده است.

نمیتوان پیش‌بینی کرد که آیا اکنون شوراهای خواهد توانت از سران اس ارها و منشویک‌ها گام فراتر نهند و بدین طریق تکامل مسالمات آمیز انقلاب را تأمین نمایند یا این که باز هم درجا خواهد زد و به این ترتیب قیام پرولتاریا را ناگزیر خواهد ساخت.

پیش‌بینی این موضوع ممکن نیست.

وظیفه ما این است که برای تأمین «آخرین» شانس تکامل مسالمات آمیز انقلاب هر چه از دستمان ساخته است کمک کنیم و این عمل را با تشریح برنامه خود، با توضیح جنبه همگانی آن و توضیح مطابقت مسلم آن بر منافع و خواسته‌های اکثریت عظیم اهالی، انجام دهیم. سطور زیرین نوشته کوتاهی هستند برای تشریح یک چنین برنامه‌ای.

با این برنامه بیشتر به سراغ «پایینی‌ها» یعنی به سراغ توده‌ها، کارمندان، کارگران و دهقانان برویم ولی نه فقط به سراغ کارگران و دهقانان حامی ما، بلکه به خصوص به سراغ کارگران و دهقانان اس اری، غیرحربی‌ها و بی‌خبران برویم. بکوشیم آنها را به سطحی ارتقاء دهیم که بتوانند مستقلان قضاوت نمایند، خودشان تصمیمات خود را مطرح سازند، از خودشان هیئت‌های نمایندگی به کنفرانس، به شوراهای و برای شرکت بفرستند؛ آن وقت است که کار ما اعم از این که نتیجه کنفرانس هر چه باشد به هدر نخواهد رفت. آن وقت است که کار ما، هم برای کنفرانس به درد خواهد خورد، هم برای انتخابات مجلس مؤسسان و هم به طور کلی برای هر گونه فعالیت سیاسی.

زنگی صحت برنامه و تاکتیک بلشویکی را به ما می‌آموزد. از ۲۰ آوریل تا غایله کورنیلوف چه اندک گذشت و چه بسیار رخ داد.

تجربه توده، تجربه طبقات ستمکش طی این مدت مطالب بسیار زیادی به آنان آموخت و سران اس ارها و منشویک‌ها به کلی از توده‌ها جدا شدند. این همان چیزی است که چگونگی آن با تنظیم یک برنامه کاملاً مشخص، به نسبتی که بتوانیم جریان بحث آن را به اطلاع توده‌ها برسانیم، به بهترین وجهی معلوم خواهد شد.

## وظایف انقلاب

روسیه کشوری است خردبوزرازی زیرا اکثریت عظیم اهالی متعلق به این طبقه است. نوسان این طبقه بین بورژوازی و پرولتاریا ناگزیر است. فقط در صورت ملحق شدن این طبقه به پرولتاریا است که پیروزی انقلاب، امر صلح، آزادی و زمین‌دار شدن رنجبران به سهولت، با مسالمات، سریع و راحت تأمین خواهد شد.

سیر انقلاب ما این نوسان را در عمل به ما نشان می‌دهد. پس ما هم باید در مورد احزاب اس ار و منشویک دچار توهمندی نشویم و در راه طبقاتی پرولتری خود ثابت قدم باشیم. فقر دهقانان تهیست، دهشت‌های جنگ، دهشت‌های گرسنگی؛ همه این‌ها با وضوحی هر چه بیشتر و بیشتر صحت راه پرولتری و لزوم پشتیبانی از انقلاب پرولتری را به توده‌ها نشان می‌دهد.

سیر انقلاب تمام امیدواری‌های «مسالمات جویانه» خرد بورژوازی را به «انتلاف» با بورژوازی و سازش با وی و به امکان این که می‌توان با «آرامش خاطر» در انتظار دعوت «سریع» مجلس مؤسسان نشست و غیره و غیره؛ به شیوه‌ای بی‌امان و با خشونت و بدون ترحم در هم می‌شکند. غایله کورنیلوف آخرین درس خشنی بود که در یک مقیاس وسیع گرفته شد و هزاران و هزاران درس کوچک دیگری را که در نتیجه فریب کارگران و دهقانان از طرف سرمایه‌داران و ملاکین و در نتیجه فریب سربازان از طرف افسران و غیره و غیره گرفته شده بود، تکمیل کرد.

نارضایتی، برآشتنگی و خشم و غصب در بین ارتش و دهقانان و کارگران شدت می‌یابد. «انتلاف» اس ارها و منشویک‌ها با بورژوازی که همه چیز وعده می‌دهد و به هیچ یک وفا نمی‌کند، توده‌ها را خشمگین می‌نماید، چشم آن‌ها را باز می‌کند و به سوی قیام سوق‌شان می‌دهد.

اپوزیسیون دست چپی‌ها در بین اس ارها (اسپریدنف و سایرین) و منشویک‌ها (مارتف و سایرین) قدرت می‌یابد و تاکنون ۴۰ درصد «شورا» و «کنگره» این احزاب را در بر گرفته

طرف آن‌ها انتخاب شده‌اند و اگذار گردد، ولی فقط به آن‌هایی که از طریق درستی انتخاب شده‌اند. باید بدون چون و چرا و در همه جا، با پشتیبانی کامل دولت، مسلح ساختن سپاهیانی از کارگران و افراد انقلابی یعنی کسانی که استعداد خود را عملاً با سرکوب کورنیلوویست‌ها به ثبوت رسانده‌اند، عملی گردد.

### ۳- صلح به خلق‌ها

دولت شوروی باید بی‌درنگ به تمام ملل داخل در جنگ (یعنی در آن واحد هم به حکومت‌های آن‌ها و هم به توده‌های کارگر و دهقان) پیشنهاد انعقاد فوری قرارداد صلح عمومی بر اساس شرایط دمکراتیک و نیز مtarکه فوری (ولو برای ۳ ماه) بدهد.

شرط عده یک صلح دمکراتیک امتناع از الحاق‌طلبی (اشغال‌گری) است و لی نه به این معنای نادرست که تمام قدرت‌ها از دست داده‌ها را پس بگیرند بلکه به این یگانه معنای صحیح که هر ملیتی بدون هیچ استثنایی، خواه در اروپا باشد و خواه در مستعمرات، آزادی و امکان به دست آورده تا خود تصمیم گیرد آیا دولت جدآگانه‌ای تشکیل دهد یا در قلمرو کشور دیگری وارد شود. و اما دولت شوروی با پیشنهاد شرایط صلح باید خود بی‌درنگ به اجرای عملی آن‌ها یعنی به انتشار و فسخ آن قراردادهای سری بپردازد که تاکنون هم ما پای‌بند آن‌ها هستیم و تزار عاقد آن‌هاست و به سرمایه‌داران روس و عده غارت ترکیه و اتریش و غیره را می‌دهد. سپس ما موظفیم شرایط اوکراینی‌ها و فنلاندی‌ها را فوراً بپذیریم و آزادی کامل آن‌ها و نیز کلیه اقوام غیر روس ساکن این سرزمین را تا حد آزادی جدا شدن، تأمین نماییم و همین موضوع را در مورد تمام ارمنستان نیز عملی سازیم و متعهد شویم این سرزمین و نیز اراضی ترکیه و غیره را که تحت اشغال ما است تخلیه کنیم.

یک چنین شرایطی از طرف سرمایه‌داران خیراندیشانه تلقی نخواهد شد ولی از طرف مردم کلیه کشورها با چنان علاقه عظیمی تلقی خواهد شد و چنان انفجار جهانی عظیمی از سور و هیجان به وجود می‌آورد و آتش خشم همگانی را نسبت به تمدید جنگ چنان شعله‌ور می‌سازد که به احتمال قوی ما بلاfacله به برقراری مtarکه و جلب موافقت با شروع مذاکرات صلح موفق می‌گردیم.

### ۱- هلاکت‌بار بودن سیاست سازش با سرمایه‌داران

ابقاء نمایندگان بورژوازی بر سر حکومت، وله عده آن‌ها زیاد هم نباشد، ابقاء کورنیلوویست‌های آشکاری نظیر ژنرال آلکسیف، ژنرال کلمفسکی، ژنرال باگراتیون، ژنرال گاگارین و غیره یا کسانی نظیر کرنسکی که زبونی کامل خود را در مقابل بورژوازی و نیز استعداد خود را در عمل کردن به شیوه بنایپارهیسم ثابت کرده‌اند؛ معنایش این است که از یک طرف برای بروز قحطی و فلاکت حتمی اقتصادی که سرمایه‌داران عمدتاً آن را تسریع و تشدید می‌کنند و از طرف دیگر برای فلاکت جنگی امکان کامل فراهم سازیم، زیرا ارتش از فرماندهی خود بیزار است و نمی‌تواند با شور و شوق در جنگ امپریالیستی شرکت کند. علاوه بر این چنان‌چه ژنرال‌ها و افسران کورنیلوویست بر سر کار باقی مانند، بدون شک همان‌طور که در گالیسی و ریگا عمل کردن جبهه را عمدتاً به روی آلمانی‌ها خواهند گشود. جلوگیری از این عمل فقط در صورت تشکیل یک دولت جدید و بر مبانی جدیدی که ذیلاً شرح آن خواهد رفت امکان‌پذیر است. پس از آن‌چه که از بیستم آوریل به بعد دیده‌ایم ادامه هر گونه سیاست سازش با بورژوازی از طرف اس ارها و مشویک‌ها، نه فقط اشتباه بلکه خیانت آشکار به مردم و انقلاب است.

### ۲- قدرت به شوراها

تمام قدرت در کشور باید بر اساس برنامه معینی منحصرأ به نمایندگان شوراهاي نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان و اگذار گردد و حکومت در مقابل شوراها مسئولیت تام داشته باشد. هم برای در نظر گرفتن تمام تجارت مردم طی هفته‌های اخیر انقلاب که هفته‌های به خصوص پر مضمونی بوده است و هم برای برطرف ساختن بی‌عدالتی‌های فاحشی که در برخی نقاط کماکان ادامه دارد (عدم مراعات تناسب و عدم تساوی در انتخابات و غیره) باید بی‌درنگ انتخابات شوراها تجدید شود.

در نقاطی که هنوز مؤسسات از طریق دمکراتیک انتخاب شده وجود ندارد و نیز در ارتش، تمام قدرت باید منحصرأ به شوراهاي محلی و کمیسرهای منتخب آن‌ها و سایر مؤسساتی که از

لحاظ این که منافع مادی سرمایه‌داران این کشورها به خاطر تقسیم آسیا و به ویژه غارت چین با یکدیگر تضاد دارد) باز هم نمی‌توانند یک صدم آن زیان و مصالی‌ی را به روسیه وارد آورند که جنگ با آلمان، اتریش و ترکیه به این کشور وارد می‌سازد.

#### ۴- زمین به زحمتکشان

دولت شوروی باید بی‌درنگ مالکیت خصوصی بر زمین‌های ملاکان را بلاعوض ملغاً اعلام دارد و این زمین‌ها را در اختیار کمیته‌های دهقانان بگذارد تا زمانی که مجلس مؤسسان در این باره تصمیم بگیرد. ابزار و آلات کشاورزی ملاکان نیز باید در اختیار همین کمیته‌ها گذارده شود تا بدون چون و چرا و مجاناً برای استفاده در دسترس دهقانان تهییدست قرار گیرد.

این اقدامات که مدت‌ها است اکثریت عظیم دهقانان، چه در قطعنامه‌های کنگره‌های خود و چه در صدها دستورنامه دهقانان محلی، اجرای آن را مطالبه می‌نمایند (چنان‌چه ضمناً از مجموعه دویست و چهل و دو دستورنامه منتشره در روزنامه «ایزوستیا» ارگان شورای نمایندگان دهقانان نیز مشهود است) ضرورت حتمی و تأخیرناپذیر دارد. در این مورد هیچ‌گونه دفع‌الوقت که دهقانان در دوران کابینه «انتلافی» از آن آسیب فراوان دیده‌اند، پذیرفته نیست.

هر دولتی که در اجرای این اقدامات تأخیر ورزد، باید دولت ضد مردم و سزاوار برافتادن و سرکوب شدن توسط قیام کارگران و دهقانان اعلام گردد. و بر عکس فقط دولتی که این اقدامات را عملی نماید دولت تمام مردم خواهد بود.

#### ۵- مبارزه علیه قحطی و پریشانی اقتصادی

دولت شوروی باید بی‌درنگ در سراسر کشور نظارت کارگری بر تولید و مصرف را معمول دارد. بدون این عمل، همان‌طور که تجربه از ۶ ماه مه به بعد نشان داده است، تمام وعده‌های اصلاحات و تلاش‌هایی که برای اجرای آن به عمل می‌آید فقد قوه اجرا بوده و هفته به هفته قحطی و فلاکت بی‌سابقه منتفقاً کشور را بیشتر تهدید خواهد کرد.

باید بانک‌ها و مؤسسات بیمه و نیز مهم‌ترین بخش‌های صنایع (نفت، ذغال سنگ، فلزسازی، قند

زیرا انقلاب کارگری علیه جنگ، به طور دفع‌نایپذیری در همه جا شدت می‌باید و آن‌چه قادر به پیش راندن این انقلاب است عبارت‌پردازی درباره صلح (که مدت‌ها است تمام دول امپریالیستی و از آن جمله دولت کرنسکی ما، کارگران و دهقانان را به وسیله آن فریب می‌دهند) نیست بلکه قطع علاقه با سرمایه‌داران و پیشنهاد صلح است.

اگر آن‌چه کمتر از همه احتمال می‌رود روی دهد، اتفاق افتاد یعنی هیچ یک از دول متخاصم حتی متأرکه را هم نپذیرد، آن گاه جنگ از طرف ما، واقعاً اجباری و واقعاً عادلانه و تدافعی خواهد شد. اگر پرولتاپریا و دهقانان تهییدست تنها به این نکته هم پی‌برند، آن گاه روسیه از لحاظ نظامی نیز به مراتب نیرومندتر خواهد شد، به خصوص پس از آن که با سرمایه‌داران غارت‌کننده مردم هم هر گونه پیوندی گسته شود، در چنین صورتی بدیهی است که جنگ از طرف ما، عملاً و نه لفظاً، جنگ به اتفاق مردم ستمکش تمام جهان خواهد بود.

ضمناً باید مردم را از آن ادعای سرمایه‌داران بر حذر داشت که گاهی افراد به کلی مرعوب و خرد بورژواها تسلیم آن می‌شوند و حاکی از آن است که گویا سرمایه‌داران انگلیس و غیره در صورت قطع اتحاد کنونی غارت‌گرانه ما با آن‌ها، قادر خواهد بود به انقلاب روس زیان فاحشی رسانند. این ادعا سراپا کذب است زیرا «پشتیبانی مالی متفقین» که موجب افزایش ثروت بانکداران است، کارگران و دهقانان روس را فقط آن‌طور «نگاه می‌دارد» که طناب دار شخص دار زده را در روسیه غله، نفت، زغال و آهن به حد کافی وجود دارد و برای توزیع صحیح این محصولات فقط باید گریبان خود را از شر ملاکین و سرمایه‌داران که مردم را غارت می‌کنند خلاص نماییم. و اما در مورد تهدید مردم روس به جنگ که از طرف متفقین کنونی وی احتمال آن می‌رود، باید گفت که فرض این که گویا فرانسوی‌ها و ایتالیایی‌ها می‌توانند سپاهیان خود را به سپاهیان آلمان ملحق سازند و آن‌ها را بر ضد روسیه که پیشنهاد صلح عادلانه نموده گسیل دارند؛ فرض به کلی پوچی است و اما در انگلستان و آمریکا و ژاپن اگر هم به روسیه اعلان جنگ بدنهند (که در این صورت به منتها درجه دچار مشکلات خواهد شد، خواه از لحاظ این که چنین جنگی در بین توده‌ها به هیچ عنوان مقبولیتی ندارد و خواه از

ایزوستیای کمیته اجرائیه مرکزی کاملاً به ثبوت رسیده است.

ولی نه برای سرکوب کامل این ضد انقلاب و نه حتی برای تحقیق در اطراف این قضیه هیچ گونه اقدامی به عمل نیامده است و بدون انتقال قدرت حاکمه به دست شوراهای هیچ اقدام جدی نمی‌تواند به عمل آید. هیچ کمیسیونی بدون در دست داشتن قدرت دولتی قادر به انجام تحقیق کامل و بازداشت مقصرين و غیره نیست. فقط دولت شوروی است که می‌تواند و باید این کار را انجام دهد. فقط این دولت می‌تواند با بازداشت ژنرال‌های کورنیلفی و سران ضد انقلاب بورژوازی (گوچکوف، میلیوکف، ریابوشینسکی، ماکلاکف و شرکاء) با برهم زدن مجتمع ضد انقلابی (دومای دولتی، اتحادیه افسران و غیره) با قرار دادن اعضای آن‌ها تحت نظرت شوراهای محلی و با انحلال واحدهای ضد انقلابی، روسيه را از تکرار ناگزیر تشیبات «کورنیلفی» مصون دارد.

فقط این دولت می‌تواند برای تحقیق کامل و علنی پرونده کورنیلفی‌ها و کلیه پرونده‌های دیگر، ولو این که اقامه‌کننده دعوا بورژوازی باشد، کمیسیون تشکیل دهد و فقط در صورت تشکیل یک چنین کمیسیونی است که حزب بلشویک‌ها، از جانب خود، کارگران را به اطاعت کامل از آن و مساعدت بدان دعوت خواهد کرد.

فقط دولت شوروی می‌تواند علیه این بی‌عدالتی فاحش یعنی علیه این موضوع که سرمایه‌داران به کمک میلیون‌های غارت شده از مردم چاپخانه‌های بزرگ و اکثر روزنامه‌ها را به تصرف خود درآورند، با احراز موقفیت مبارزه کند. باید روزنامه‌های ضد انقلابی بورژوازی (رج، روسکویه اسلووا و غیره) توقیف گردد، چاپخانه‌های آن‌ها ضبط شود، انتشار آگهی‌های خصوصی در روزنامه‌ها به انحصار دولت درآید و در روزنامه دولتی که از طرف شوراهای منشر می‌گردد و حقیقت را به اطلاع دهقانان می‌رساند درج شود. تنها بدین طریق می‌توان و باید حربه نیرومند دروغپردازی و افترآگویی بی‌کیفر، این وسیله فریب مردم، گمراه ساختن دهقانان و تدارک ضد انقلاب را از چنگ بورژوازی بیرون کشید.

## ۷- تکامل مسالمات‌آمیز انقلاب

دمکراسی روسيه، شوراهای احزاب اس ار و منشویک اکنون برای فراهم ساختن موجبات

و غیره) بی‌درنگ ملی گرددند و به موازات آن اسرار بازرهای بدنون قید و شرط لغو شود و اقلیت ناچیز سرمایه‌داران که با دریافت سفارشات دولتی بر ثروت خود می‌افزایند و از زیر بار حساب دادن و مالیات بندی منصفانه بر عواید و اموال خود شانه خالی می‌کنند، تحت نظارت دائمی کارگران و دهقانان قرار گیرند.

این اقدامات که با اجرای آن پیشیزی از اموال دهقانان میانه حال، قزاق‌ها و پیشه‌وران کوچک گرفته نمی‌شود، بدون شک برای تقسیم موزون سنگینی بار جنگ اقداماتی منصفانه بوده و برای مبارزه با قحطی جنبه تأخیرناپذیر دارد. تنها با دور اندختن غارتگران سرمایه‌دار و خاتمه دادن به خرابکاری آن‌ها در مورد وقفه عمده در تولید می‌توان به افزایش قدرت تولیدی کار و معمول نمودن کار موظف همگانی و مبادله صحیح غله در مقابل محصولات صنعتی و بازگرداندن میلیاردها اسکناس مخفی شده توسط ثروتمندان به خزانه دولت نایل آمد.

بدون چنین اقداماتی الغاء بلاعوض مالکیت بر زمین‌های ملاکان نیز غیرممکن است زیرا قسمت اعظم زمین‌های ملاکان در بانک‌ها به رهن گذارده شده و منافع ملاکان و سرمایه‌داران به طور ناگستینی با یکدیگر درآمیخته است.

در آخرین قطعنامه شعبه اقتصادی کمیته اجرائیه مرکزی شوراهای کشوری نمایندگان کارگران، دهقانان و سربازان روسيه (منتشره در «رابوچایا کازرتا» شماره ۱۵۲) نه فقط «هلاکت بار» بودن اقدامات دولت (نظیر ترقی نرخ غله به منظور غنی ساختن ملاکین و کولاک‌ها) و نه فقط «واقعیت بی‌عملی مطلق ارگان‌های مرکزی تنظیم امور اقتصادی که در جنب دولت تشکیل شده است» بلکه حتی «نقض قوانین» از طرف این دولت مورد اعتراف است. این اعتراف احزاب حاکمه اس ار و منشویک بار دیگر تمام ماهیت تبهکارانه سیاست سازش با بورژوازی را به ثبوت می‌رساند.

## ۶- مبارزه با ضد انقلاب ملاکین و سرمایه‌داران

عصیان کورنیلف و کالدین مورد پشتیبانی تمام طبقه ملاکان و سرمایه‌داران و در رأس آن‌ها حزب کادت (حزب «آزادی خلق») بود. این موضوع اکنون با واقعیت منتشره در روزنامه

است بسیار پرمشقت و خونین باشد و به بهای جان دهها هزار ملاک و سرمایه‌دار و افسران متهمیل به آن‌ها تمام شود. پرولتاریا برای نجات انقلاب که نیل به آن در خارج از برنامه مذکور امکان‌پذیر نیست، از هیچ قربانی روی‌گردان نخواهد بود. ولی اگر شوراهای از آخرین شانسی که در مورد تکامل مسالمت‌آمیز انقلاب برای آن‌ها وجود دارد استفاده نمایند، پرولتاریا از هر طریق ممکن از آن‌ها پشتیبانی خواهد نمود.

در تاریخ ۹ و ۱۰ اکتبر سال ۱۹۱۷ در شماره‌های ۲۰ و ۲۱ روزنامه «رابوچی پوت» به امضای ن. ک به چاپ رسید.

**بازتابی پ تارنماي سازمان فدائیان (اقلیت)**  
[www.fadaian-minority.org](http://www.fadaian-minority.org)

دعوت مجلس مؤسسان در سر موعد مقرر و بدون دفع الوقت‌های جدید و نیز برای مصون داشتن کشور از خطر فلاتکت جنگی و اقتصادی و تأمین تکامل مسالمت‌آمیز انقلاب، با امکانی رو به رو می‌شوند که در تاریخ انقلاب‌ها فوق العاده به ندرت دست می‌دهد.

اگر شوراهای اکنون برای عملی ساختن برنامه فوق‌الذکر قدرت دولتی را تماماً و منحصراً به دست خود گیرند، نه تنها از پشتیبانی نه دهم اهالی روسیه یعنی طبقه کارگر و اکثریت عظیم دهقانان بلکه از بزرگترین شور و شوق انقلابی ارتش و اکثریت مردم یعنی همان شور و شوقی که بدون آن غلبه بر قحطی و جنگ محل است نیز برخوردار می‌گردد.

اگر شوراهای از خود تزلزل نشان نمی‌دادند، اکنون سخنی هم از هیچ گونه مقاومت در برابر آن‌ها نمی‌توانست در میان باشد. هیچ طبقه‌ای جرأت ندارد علیه شوراهای به قیام برخیزد و ملاکین و سرمایه‌داران که از غایله کورنیلف درس عترت گرفته‌اند در مقابل اتمام حجت شوراهای با مسالمت به تسلیم قدرت تن خواهند داد. برای این که بتوان بر مقاومت سرمایه‌داران علیه برنامه شوراهای غالب آمد کافی است استثمارگران تحت نظرارت کارگران و دهقانان قرار گیرند و در مورد متمردین مجازات‌هایی از قبیل ضبط کلیه اموال توأم با بازداشت کوتاه مدت معمول گردد.

شوراهای با به دست گرفتن تمام قدرت، می‌توانند هنوز هم – که احتمال می‌رود آخرین شанс آن‌ها باشد – تکامل مسالمت‌آمیز انقلاب، انتخاب مسالمت‌آمیز نمایندگان مردم از طرف خود مردم، مبارزه مسالمت‌آمیز احزاب در داخل شوراهای، آزمایش برنامه احزاب مختلف در جریان عمل و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت از یک حزب به حزب دیگر را تأمین نمایند.

اگر این امکان از دست داده شود، آن گاه چنان‌چه تمامی سیر تکامل انقلاب، از جنبش ۲۰ آوریل گرفته تا غایله کورنیلف، نشان می‌دهد وقوع جنگ داخلی کاملاً شدیدی بین بورژوازی و پرولتاریا ناگزیر خواهد بود. فلاتکت حتمی وقوع این جنگ را نزدیکتر خواهد کرد.

این جنگ چنان که تمامی اطلاعات و ملاحظاتی که در دسترس عقل بشر است حکم می‌کند باید به منظور اجرای برنامه فوق‌الذکر، با پیروزی کامل طبقه کارگر و پشتیبانی دهقانان تهیdest است از این طبقه پایان یابد ولی این جنگ در عین حال ممکن